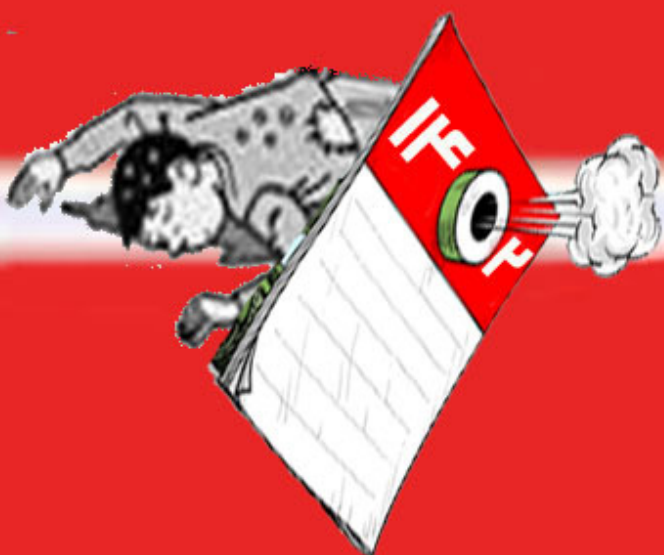


جس



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی
تحریریه: سهیلا سادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهانامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

در ایران به وسیله‌ی دولت خائن پهلوی تصویب شد این بود که کارکنان آمریکا در ایران مصونیت داشته باشند به معنای اینکه هر جنایتی کردند، در دادگاه‌های ایران نباید محاکمه بشوند؛ این قانون کاپیتولاسیون بود. این جزو یکی از خفّت‌بارترین قانونها است؛ یعنی اگر فرض کنید یک آمریکایی مست، در خیابان سوار ماشین بزند ده نفر را از بین ببرد، دادگاه‌های ایران حق ندارند این شخص را محاکمه کنند؛ باید بفرستند آمریکا، آنجا محاکمه بشود. این قانون را در دولت پهلوی تصویب کردند، یک صدا در مخالفت با این قانون بلند شد — یک صدای رسا — و آن صدای امام بزرگوار بود؛ امام ایستادند، سخنرانی کردند، گفتند ما زیر بار این قانون نمیرویم؛ (۲) نتیجه‌اش این شد که امام را در سیزدهم آبان دستگیر کردند و از ایران تبعید کردند. پس کار، کار آمریکایی‌ها بود؛ یعنی ضربه را آمریکایی‌ها زدند به ما

ضربه‌ی دوّم کشتار دانش‌آموزان بود. در روزهای اوج حرکت انقلابی ملت ایران — که این انقلاب فقط علیه پهلوی نبود، علیه پهلوی و آمریکا بود — پلیس طاغوت، پلیس شاه، دانش‌آموزان را جلوی همین دانشگاه [تهران] قتل‌عام کردند؛ رگبار گرفتند، عده‌ای دانش‌آموز را به خاک‌وخون کشیدند؛ این هم در روز سیزدهم آبان بود. خب، این دو حادثه ضربه‌هایی بود که آمریکایی‌ها به ما زدند، به ملت ایران زدند

ده ماه بعد از پیروزی انقلاب، سیزدهم آبان سال ۵۸ بود که دانشجویها رفتند وارد سفارت آمریکا شدند و آن سفارت را تسخیر کردند و اسرار و اسناد پنهانی آن سفارت را افشا کردند، آبروی آمریکا رفت؛ این ضربه‌ی ما بود، ضربه‌ی ملت ایران به آمریکا بود. این سه حادثه است

بیانات رهبری

در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقرية الله في الارضين ارواحنا له الفداء

سیار جلسه‌ی پُربرکت و پُرشور و پُرمعنایی است جلسه‌ی شما عزیزان، جوانان، نوجوانان. تشکر میکنم از کسانی که برنامه اجرا کردند، سخنرانی کردند، سرود خواندند، قرآن تلاوت کردند، و از مجری محترم برنامه

در میان این سه مناسبتی که در سیزدهم آبان اتفاق افتاده، در دو مناسبت آمریکایی‌ها ضربه زدند به ملت ایران، در یک مناسبت ملت ایران ضربه زد به آمریکایی‌ها.

آن دو مناسبتی که ضربه‌ی آمریکا بود به ملت ایران، یکی تبعید امام بود در سیزدهم آبان سال ۴۳؛ علت تبعید امام مخالفت او با کاپیتولاسیون بود. «کاپیتولاسیون» یک اصطلاح سیاسی است؛ معنایش این است که کارکنان یک کشوری در کشور دیگر مصونیت داشته باشند؛ یعنی آنچه

هم یک خبرنگار و مصاحبه‌گر معروف آن روز آمریکا در نیویورک با من مصاحبه کرد، اولین حرفش همین بود که اختلاف ما و شما از ورود شما به سفارت ما و تسخیر سفارت ما است. می‌خواهند این را جا بیندازند، [در حالی که] این دروغ بزرگی است؛ قضیه این نیست. ۲۶ سال قبل از حادثه‌ی سفارت، کودتای بیست‌وهشتم مرداد اتفاق افتاده؛ آن روز که دیگر کسی به سفارت نرفته بود. سال ۳۲، آمریکایی‌ها در ایران یک دولت ملی مستقل را که وابسته‌ی به آمریکا نبود، با کودتای مجرمانه‌ی ظالمانه‌ای سرنگون کردند؛ این دشمنی آمریکایی‌ها است. پس مسئله‌ی دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی، با ملت ایران، با ایران اسلامی، ربطی به مسئله‌ی سفارت ندارد.

اسنادی که از سفارت به دست آمد — میدانید دیگر؛ دانشجویها رفتند اسناد را آوردند، مقدار زیادی از این اسناد را آمریکایی‌ها در کاغذخردکن ریخته بودند، دانشجویها با حوصله‌ی تمام نشستند این کاغذها را به هم وصل کردند که الان یادداشت‌ها هفتاد هشتاد جلد کتاب است — نشان داد که از همان روزهای اول بعد از پیروزی انقلاب، سفارت آمریکا مرکز توطئه و جاسوسی علیه ایران بوده؛ حتی در سفارت آمریکا طراح‌ی کودتا میشده که علیه انقلاب کودتا کنند؛ طراح‌ی جنگ داخلی میشده؛ تلاش میکردند که در استانهای مرزی کشور، جنگ داخلی راه بیندازند؛ طراح‌ی میشده که چگونه در حکومت جدید انقلابی نفوذ کنند؛ رسانه‌های ضدانقلاب را که در داخل بودند، مدیریت میکردند، هدایت میکردند؛ این را بنویسید، این را بگویید، این را جعل کنید، این شایعه‌سازی را بکنید؛ برای تحریم هم برنامه‌ریزی میکردند؛ یعنی سفارت، از اولین روزهای شروع انقلاب، مرکز توطئه علیه کشور و علیه انقلاب بوده. [لذا دشمنی

خب، حرف من این است: من می‌گویم شما جوان امروز باید از قضایای مختلف تحلیل داشته باشید؛ صرف احساسات کافی نیست. حالا من منظور خودم را از این حرف شرح میدهم. شما باید از اصل انقلاب اسلامی تحلیل داشته باشید؛ از قضیه‌ی دفاع مقدس، جنگ هشت‌ساله، باید تحلیل داشته باشید؛ از قضایای گوناگونی که در دهه‌ی ۶۰ اتفاق افتاد همین‌جور؛ از واگرایی‌هایی که در دهه‌ی ۷۰ اتفاق افتاد باید تحلیل داشته باشید؛ از حوادث گوناگونی که در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ اتفاق افتاد باید تحلیل داشته باشید؛ یعنی بدانید و تشخیص بدهید که این حادثه چه بود، از کجا شروع شد، چه کسی پشت این حادثه بود، چه چیزی نتیجه‌ی این حادثه شد؛ اینها تحلیل است.

حالا من یک مسئله را می‌خواهم مطرح کنم و آن مقابله‌ی ما با آمریکا است. خب الان یک ساعت است که شما مرتب دارید علیه آمریکا شعار میدهید — در اینکه تردیدی نیست — اما مسئله چیست؟ مشکل ما با آمریکا چیست؟ خود آمریکایی‌ها دشمنی‌های خودشان با ملت ایران را به مسئله‌ی سفارت منسوب میکنند — ببینید، این [مطلبی] که عرض میکنم از روی توجه و اطلاع از کارهایی است که دارد میشود و می‌خواهند بکنند؛ می‌خواهم شما جوانهای عزیز توجه داشته باشید — کسانی هم به تبع آنها همین را تکرار میکنند؛ یعنی چه؟ یعنی می‌گویند «آقا! علت اینکه آمریکا ایران را تحریم میکند، با ایران بدی میکند، در ایران اغتشاش راه می‌اندازد، مشکلات درست میکند، علت این دشمنی‌های آمریکا با ایران این است که دانشجویان شما رفتند سفارت آمریکا را تسخیر کردند»؛ این را، هم آمریکایی‌ها می‌گویند، هم من تبع (۳) آنها در داخل کشور می‌گویند. در دوره‌ی ریاست جمهوری بنده

سیاسی برایشان آسان میشود؛ عیناً مثل کاری که در هند کردند. در هند، اوّل کمپانی هند شرقی را راه انداختند، بعد که پیش رفتند، حکومت هند را تصرف کردند، هند شد یک قسمتی از امپراتوری انگلیس؛ حدود ۱۵۰ سال وضع این‌جوری بود. خب، در ایران [هم] میخواستند همین کار را بکنند. یکی از اوّلین کارهایی که کردند قضیه‌ی انحصار تنباکو بود — اسم «نَهضت تنباکو» را قاعدتاً شنیده‌اید — تا انحصار کشت و فروش و خرید تنباکوی کشور در اختیار انگلیس باشد. دستگاه‌های دولتی آن زمان — زمان ناصرالدین‌شاه — نفهمیدند که معنای این کار چیست، قبول کردند. میرزای شیرازی، مرجع تقلید شیعه، در سامرا فهمید که پشت این قضیه چیست، با یک فتوا این قرارداد را به هم زد و از بین برد. این کار اوّلشان بود؛ خب، این نشد. پی‌درپی، قراردادهای گوناگونی از این قبیل بود که یکی از مهم‌ترین‌هایش قراردادی بود معروف به «قرارداد وثوق‌الدوله» که در سال ۱۹۱۹ میلادی و ۱۲۹۹ هجری شمسی، انگلیس‌ها به نخست‌وزیر وقت ایران (۴) رشوه‌ی مفصلی دادند و این قرارداد را بستند. «قرارداد وثوق‌الدوله» اقتصاد و سیاست و ارتش و نظام و همه چیز ایران را در اختیار انگلیس‌ها قرار میداد. این قرارداد هم بسته شد، منتها شهید مدرس در مجلس شورای ملی آن زمان یک‌تنه در مقابل این قرارداد ایستاد، افشاگری کرد و نگذاشت به نتیجه برسد، این قرارداد هم باطل شد. قراردادهای دیگری هم بود — [مانند] قرارداد رویتر و غیره — که اغلب این قراردادها به وسیله‌ی علمای دین باطل شد، از بین رفت، جلویش گرفته شد.

البته بعد هم انگلیس‌ها انتقام خودشان را از علمای دین گرفتند. دولت انگلیس دید این‌جوری نمیشود و آن

آمریکا [ربطی به تسخیر لانه‌ی جاسوسی ندارد؛ مدتها قبل از آن، اینها فعالیت خودشان را علیه انقلاب شروع کرده بودند.

پس مسئله آن‌جوری نیست که آمریکایی‌ها وانمود میکنند و آن‌جوری نیست که یک عده، یا ساده‌لوحانه یا به دلایل گوناگون و انگیزه‌های گوناگون، در داخل ترویج میکنند که «آقا! علّت اینکه شما می‌بینید یک قدرتی مثل آمریکا این قدر علیه جمهوری اسلامی فعالیت میکند، این است که شما فلان وقت رفتید سفارت اینها را گرفتید»؛ نه، قضیه این نیست. پس قضیه چیست؟ برای اینکه بتوانیم ریشه‌ای‌تر مطلب را بفهمیم، یک قدری عقب برویم. من دوست دارم و مایل‌م شما جوانها و نوجوان‌ها روی این مسائل با دقت و با فکر کار کنید؛ چون فردا مال شما است، بازوهای پیشرفت کشور شما هستید، کشور مال شما است و باید پیش بروید. یک مقداری عمیق‌تر برویم مسائل را بسنجیم

مسئله‌ی نفوذ غربی‌ها در ایران از انگلیس‌ها شروع شد؛ اوّل آنها آمدند در ایران. البته از [سال] ۱۸۰۰ میلادی در دولت قاجاری‌ها نفوذ کردند و بتدریج نفوذ خودشان را گسترش دادند. هدف انگلیسی‌ها این بود که در ایران همان کاری را بکنند که در هندوستان کردند. میدانید هندوستان حدود ۱۵۰ سال در مشیت انگلیس بود و رمق هندوستان را انگلیس‌ها گرفتند؛ ثروت عمده‌ی انگلیس‌ها ناشی از استعمار هند است که حالا خود آن داستان مفصلی دارد. همین کار را میخواستند با ایران بکنند؛ یعنی اوّل از یک جای کوچکی شروع کنند، بتدریج توسعه بدهند، منابع اقتصادی کشور را در اختیار بگیرند و بعد که اقتصاد کشور در اختیارشان قرار گرفت، آن وقت تصرف

کار آنها میخواستند انجام داد. البته اینجا من اشاره کنم که یک عده روشنفکران غربزده یا وابسته‌ی به غرب — همه وابسته نبودند؛ یک عده‌ای‌شان هم وابسته نبودند، لکن غربزده بودند، مبهوت غرب بودند — در رنگ و روغن زدن به حکومت رضاخان نقش داشتند؛ آنها هم پیش خدا مؤاخذند؛ آن روشنفکرانی هم که نمیخواهم اسم بیاورم، در جنایت به ملت ایران با رضاشاه شریکند؛ این هم هست

خب، رضاشاه شد عامل انگلیس در ایران. در این بین، جنگ جهانی دوم پیش آمد. در جنگ جهانی دوم، رضاشاه بر طبق طبیعت خودش به آلمان تمایل پیدا کرد؛ نوع کارهای هیتلر را دوست میداشت، یک گرایشی به آلمانها پیدا کرد، انگلیس‌ها فهمیدند، دیدند این دیگر به درد نمیخورد؛ [لذا در] سال ۱۳۲۰ شمسی رضاشاه را برکنار کردند؛ خودش را آوردند، خودش را هم برکنارش کردند. او را [برکنار کردند، پسرش را با شرایط معینی جایش گذاشتند که باید این کار را بکنی، این جور عمل کنی، این جور رفتار کنی، او هم گفت چشم؛ حتی گفتند فلان رادیو را نباید گوش کنی، گفت چشم؛ تا این حد! خب، تا اینجا حاکمیت انگلیس بود

دهه‌ی ۲۰ شمسی سالهای افول تدریجی قدرت انگلیس است؛ [مردم] مبارزه کردند، هند آزاد شد، بعضی از کشورهای دیگر آفریقا و غیره آزاد شدند، انگلیس ضعیف شد و ضعف انگلیس موجب شد که آمریکا بیاید وسط میدان. اواسط دهه‌ی ۲۰ شمسی آمریکا پایش را گذاشت در ایران؛ اول هم با روی خوش و به صورت ملایم، با «اصل چهارم ترومن» (۵) و چیزهایی که حالا تفصیلهایش زیاد است. حتی در یک مواردی با مخالفین انگلیس‌ها

نقشه‌ای که در هند عمل کردند، در ایران عملی نیست؛ به یک راه‌حلی رسیدند — درست توجه کنید — آن راه‌حل این بود: به فکر افتادند که باید یک دولت دیکتاتورِ خشن صد درصد وابسته‌ی به خودش را در ایران سر کار بیاورند تا دیگر دغدغه‌ای نداشته باشند و هر کاری میخواهند، در ایران به وسیله‌ی خود آن دولت انجام بگیرد. رضاخان قزاق را پیدا کردند؛ او را می‌شناختند، شناسایی کردند. رضاخان همان کسی بود که انگلیس‌ها احتیاج داشتند؛ آدمی بود بسیار بی‌رحم، بسیار خشن، بسیار گستاخ، عامی، بی‌سواد بی‌اطلاع از معارف و مانند اینها، لات‌منش، بی‌تقوا و بی‌ایمان؛ یک آدم این‌جوری را پیدا کردند. از ضعف پادشاه قاجار که احمدشاه بود استفاده کردند، به وسیله‌ی رضاشاه و یک نفر دیگر — سیدضیاء طباطبائی که بعد او را کنار زدند — در ایران کودتا راه انداختند؛ رضاخان را اول کردند فرمانده کلّ قوا، بعد کردند نخست‌وزیر، بعد کردند شاه ایران؛ همان چیزی که انگلیس‌ها میخواستند در ایران تحقق پیدا کرد

خب، اول کاری که به دست رضاشاه کردند [این بود که] روحانیت را منکوب کردند، ملت را مرعوب کردند. ملت را بشدت مرعوب کردند؛ آن‌جوری که پدرمادرهای ما و بزرگ‌ترهای ما برای ما نقل کردند، در زمان رضاشاه کسی جرئت نفس کشیدن نداشت؛ در اتاق خلوت هم کسی جرئت نداشت از رضاشاه انتقاد کند؛ در اتاق خلوت، بین دو سه نفر افراد خانواده هم کسی جرئت نداشت! این قدر ملت را مرعوب کرده بود. علما را خانه‌نشین کرد، عمامه‌ها را از سرهایشان برداشت، حوزه‌های علمیّه را تعطیل کرد، با احکام دینی مثل حجاب هم علناً مخالفت کرد و آن کاری را که انگلیس‌ها مایل بودند در ایران انجام بگیرد، یعنی تصرف منابع مالی و اقتصادی، همه را انجام داد؛ هر

اختیار آنها، [اینکه] از چه کسی بخرند، به چه قیمتی بخرند، چه جوری پولش را بدهند، چه جوری سلاح را تحویل بگیرند، همه به عهده‌ی آمریکایی‌ها و در اختیار آمریکایی‌ها بود. اشاعه‌ی فساد، به صورت برنامه‌ریزی‌شده؛ یعنی در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ — که دیگر در آخر دهه‌ی ۴۰ و اوایل ۵۰ به اوج خودش رسید — فساد اخلاقی با برنامه‌ریزی دقیق آمریکایی‌ها در ایران انجام می‌گرفت برای اینکه جوانها را به فساد بکشانند. خب معلوم است جوانی که به فساد کشیده بشود قدرت ایستادگی ندارد، قدرت مقاومت ندارد؛ اینها می‌خواستند جوان ایرانی را بی‌خاصیت کنند. عقب‌ماندگی در علم، عقب‌ماندگی در فتاوری‌ها، پیشرفت در فساد اخلاقی، شدت تبعیض طبقاتی به صورت هولناک؛ همه‌ی اینها در دوره‌ی حاکمیت آمریکایی‌ها و نفوذ آمریکایی‌ها در ایران انجام گرفت.

این دشمنی را ادامه دادند، بعد که حرکت انقلابی اوج گرفت، احساس خطر کردند و شدت عمل را بیشتر کردند؛ حتی حدود یک هفته به پیروزی انقلاب، یک ژنرال برجسته‌ی آمریکایی به نام «هایزر» آمد تهران برای اینکه اگر بتواند، یک کودتا راه بیندازد و صدها هزار، بلکه میلیون‌ها آدم را به قتل برسانند؛ نیتشان این بود؛ هایزر این کار را می‌خواست بکند. البته انقلاب به نقطه‌ای رسیده بود که دیگر تدابیر اینها بی‌فایده بود. عزم راسخی مثل امام بزرگوار در مقابل اینها قرار داشت. آنها می‌خواستند کودتا کنند، حکومت نظامی اعلام کردند، امام به مردم گفت بروید در خیابانها، حکومت نظامی را به هم زد، نقشه‌شان را باطل کرد، لذا شکست خوردند. هایزر هم دید فایده‌ای ندارد، از ایران رفت که البته اگر چهار پنج روز دیگر در ایران میماند، احتمالاً جزو اولین اعدای

هم‌صدایی کرد، همراهی کرد، برای اینکه نظرها را به خودش جلب کند؛ و متأسفانه توانست بعضی از سیاستمدارهای غیر وابسته‌ی به انگلیس را به خودش وابسته کند، به خودش علاقه‌مند کند. رفتار آمریکا در ایران این‌جوری بود؛ اول با نرمش وارد شد و نشان داد که داعیه‌ی استعماری در ایران ندارد. این بود، تا وقتی که یک دولت ملی سر کار آمد؛ دولت مصدق. اتفاقاً مصدق بر اثر ساده‌انگاری، سهل‌انگاری یا ساده‌لوحی — هر چه می‌خواهید بگویید — به آمریکا خوشبین بود. مصدق علیه انگلیس بود، به کمک آمریکایی‌ها امیدوار بود! دل بستن به کمک بیگانه این [طور] است. وقتی این دولت سر کار آمد و معلوم شد که این دولت وابسته‌ی به آمریکا نیست و نمیتواند باشد، آمریکایی‌ها کودتای بیست‌وهشتم مرداد را راه انداختند، دولت را ساقط کردند، در ایران فجایع زیادی به وجود آوردند

بعد که نقاب از صورت آمریکایی‌ها افتاد و معلوم شد که یک دولت مهربان و دوست با ایران نیستند، دیگر هر کار توانستند کردند؛ آمریکایی‌ها مقدرات کشور را در دست گرفتند، از لحاظ سیاسی و اقتصادی کشور را به طور کامل به خودشان وابسته کردند، پای رژیم صهیونیستی را به ایران باز کردند — آمریکایی‌ها این کار را کردند؛ پای رژیم صهیونیستی را آمریکایی‌ها به ایران باز کردند — ساواک را تشکیل دادند؛ ساواک مرکز کمال خشونت و بی‌رحمی با مردم، با معترضین، با مخالفین، و سرکوب بی‌رحمانه‌ی کوچک‌ترین مخالفت بود. اینها همه در دوره‌ی تسلط آمریکایی‌ها است؛ مال دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ و مانند اینها است. چند ده هزار مستشار نظامی را آوردند داخل ایران و هزینه‌ی سنگین اداره‌ی اینها را بر دوش ملت ایران بار کردند؛ سلاح در اختیار آنها، خرید سلاح در

بعد از انقلاب میشد؛ شانس آورد که زودتر رفت

خب، مسئله‌ی آمریکا و ایران این است. اینکه شما می‌گویید «مرگ بر آمریکا»، این صرفاً یک شعار نیست، این یک خط‌مشی است. علتش هم همین است که گفتیم؛ آمریکایی‌ها سالهای متمادی، از سالهای میانی دهه‌ی ۲۰ تا پیروزی انقلاب — یعنی سالهای آخر دهه‌ی ۵۰ — ۳۰ سال در ایران هر کار توانستند علیه ملت ایران کردند، هر جور توانستند ضربه زدند؛ از لحاظ مالی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ علمی، از لحاظ اخلاقی. انقلاب در یک چنین وضعی پیروز شد؛ انقلاب در مقابل یک چنین حاکمیت فاسدی و نفوذ مخربی قرار گرفت و به توفیق الهی، به همت ملت ایران و به رهبری امام بزرگوار پیروز شد

الان آن کاری که هائیزر میخواست در ایران بکند، آمریکایی‌ها دارند در غزه میکنند؛ قضیه همان قضیه است؛ در فلسطین همین کار دارد انجام میگیرد. صهیونیست‌هایی که حاکم بر فلسطین اشغالی و فلسطین مظلوم هستند، مستظهر (۶) به حمایت آمریکا هستند. اگر حمایت آمریکا نبود، اگر پشتیبانی‌های تسلیحاتی آمریکا نبود، دولت فاسد جعلی دروغین رژیم صهیونیستی در همان هفته‌ی اول از بین رفته بود، برافتاده بود. آمریکایی‌ها پشت اینها قرار دارند. امروز در غزه همان حوادثی دارد اتفاق می‌افتد که اینها اگر میتوانستند، در ایران آن حوادث را انجام میدادند. فاجعه‌ای که در غزه به وسیله‌ی صهیونیست‌ها و به کمک آمریکایی‌ها و در واقع به دست آمریکایی‌ها دارد اتفاق می‌افتد، یک فاجعه‌ی بی‌نظیر است. در ظرف سه هفته، نزدیک به چهار هزار کودک به دست اینها کشته شده‌اند! کجای تاریخ چنین چیزی را

شما دارید؟ امت اسلامی بایستی بداند قضیه چیست، میدان را تشخیص بدهد. میدان، میدان غزه و اسرائیل نیست، میدان حق و باطل است. میدان، میدان استکبار و ایمان است؛ یک طرف قدرت ایمان، یک طرف قدرت استکبار. البته قدرت استکبار با فشار نظامی و بمباران و فاجعه و جنایت پیش می‌آید، [اما] قدرت ایمان بر همه‌ی اینها به توفیق الهی غلبه پیدا خواهد کرد

دل‌های ما خون است به خاطر مصائب مردم فلسطین و بالخصوص مردم غزه؛ ناراحتیم، اما وقتی بادقت نگاه میکنیم، می‌بینیم آن که در میدان پیروز است مردم غزه‌اند، مردم فلسطینند؛ اینها توانستند کارهای بزرگی انجام بدهند. اولاً مردم غزه با صبر خودشان، با ایستادگی خودشان، با تسلیم نشدن خودشان نقاب دروغین حقوق بشر را از چهره‌ی آمریکا و فرانسه و انگلیس و امثال اینها کنار کشیدند، اینها را رسوا کردند. مردم غزه با صبر خودشان توانستند وجدان بشری را به حرکت دریاورند. الان شما ببینید در دنیا چه خبر است. در همین کشورهای غربی — در انگلیس، در فرانسه، در ایتالیا، در ایالت‌های مختلف خود آمریکا — مردم با جمعیت‌های انبوه می‌آیند داخل خیابان، علیه اسرائیل و در موارد بسیاری علیه آمریکا شعار میدهند؛ آبروی اینها رفت. اینها واقعاً هیچ علاجی ندارند، نمیتوانند توجیه کنند، لذا می‌بینید یک ابله‌ی پیدا میشود میگوید «اجتماع مردم در انگلیس کار ایران است»؛ لابد بسیج لندن این کار را کرده، بسیج پاریس این کار را کرده! (۷) از جمله‌ی بی‌شرمی‌های واقعی‌ای که امروز سیاستمداران غربی و رسانه‌ای‌های غربی دارند نشان میدهند، این است که مبارزین فلسطینی را میگویند «تروریست». کسی که از خانه‌ی خودش دفاع میکند تروریست است؟ کسی که از میهن خودش دارد

دفاع میکند تروریست است؟ آن روزی که آلمانی‌ها در جنگ جهانی دوّم آمدند پاریس را گرفتند و پاریسی‌ها با آلمانی‌ها مبارزه میکردند، مبارزین فرانسوی تروریست بودند؟ چطور آنها مبارزند، مایه‌ی افتخار فرانسه‌اند، آن وقت جوان حماس و جهاد اسلامی تروریست است؟ بی‌شرم‌ها! مردم غزه و مبارزین فلسطین دروغ‌گوهای دنیا را رسوا کردند

یکی از کارهای مهمی که [عملیات] طوفان‌الاقصی (۸) انجام داد این بود که نشان داد چگونه یک گروه اندک — اینها در مقابل آنها کمند دیگر؛ تعدادشان کمتر است — با تدارکات و امکانات بسیار کم اما با ایمان و عزم راسخ، میتواند محصول سالها تلاش جنایت‌کارانه‌ی دشمن را در ظرف چند ساعت دود کند و به هوا بفرستد؛ میتواند دولتهای متکبر و مستکبر عالم را تحقیر کند؛ فلسطینی‌ها، هم رژیم غاصب را، هم پشتیبانان رژیم غاصب را تحقیر کردند، با عمل خودشان، با شجاعت خودشان، با اقدام خودشان، و امروز با صبر خودشان. این یک درس بزرگ است. البته این جنایتها بشریت را تکان داد، همه را تکان داد.

این را من چند روز قبل از این هم گفتم، (۹) حالا هم تکرار میکنم: از دنیای اسلام توقع بیشتری هست. دولتهای مسلمان باید بدانند که اگر امروز به فلسطین کمک نکنند — هر کس هر جور میتواند کمک کند — دشمن فلسطین را که دشمن اسلام و دشمن انسانیت است تقویت کرده‌اند و فردا همین خطر، خودشان را تهدید خواهد کرد. آنچه دولتهای اسلامی باید بر آن پافشاری کنند، قطع فوری این جنایتهایی است که دارند در غزه انجام میدهند؛ این بمبارانها باید فوراً قطع بشود؛ راه صدور نفت و ارزاق به

رژیم صهیونیستی را ببندند؛ دولتهای اسلامی با رژیم صهیونیستی همکاری اقتصادی نکنند؛ در همه‌ی مجامع جهانی با صدای بلند این جنایت را، این فاجعه‌آفرینی را، بدون تردید و بدون لکنت محکوم کنند. این جور نباشد که در یک اجتماع اسلامی یا اجتماع عربی، همان چند نفری هم که حرف میزنند، یا دوپهلوی حرف بزنند یا با لکنت حرف بزنند؛ صریح حرفشان را بزنند. معلوم است دارد چه اتفاقی می‌افتد؛ بایستی رژیم صهیونیستی محکوم بشود، بایستی همه‌ی دنیای اسلام علیه رژیم صهیونیستی بسیج بشوند.

البته ضربه‌ای که به رژیم صهیونیستی خورده جبران‌پذیر نیست؛ این را من اول هم گفتم، الان هم تأکید میکنم و تکرار میکنم. بتدریج، در حرفهای خود عوامل رژیم صهیونیستی هم این نشان داده شد که آن ضربه‌ای که اینها خوردند ضربه‌ای نیست که بشود جبران‌ش کرد؛ نمیتوانند جبران کنند. رژیم صهیونیستی الان درمانده است، متحیر است، به مردم خودش هم دروغ میگوید. اینکه نسبت به اسرای خودشان در دست فلسطینی‌ها اظهار نگرانی میکنند، این هم دروغ است؛ این بمبارانهایی که میکنند ممکن است اسرای خودشان را هم نابود کند؛ اینکه برای اسرای خودشان اظهار نگرانی میکنند، [یعنی] به مردم خودشان هم دارند دروغ میگویند. و این دروغ گفتن از روی ناچاری است؛ الان رژیم صهیونیستی دچار حیرت است، دچار ناچاری است، نمیداند چه کار باید بکند و هر کاری که میکند از روی اضطرار است؛ یعنی نمیفهمد چه کار باید بکند. اگر کمک آمریکا نبود و نباشد، قطعاً رژیم صهیونیستی در ظرف چند روز فلج خواهد شد.

(۶ پشت گرم

هفت) خنده‌ی حضار

گروه‌های مقاومت فلسطینی در روز شنبه پانزدهم (۸) مهرماه ۱۴۰۲ عملیات گسترده‌ای را با عنوان «طوفان الاقصی» آغاز کردند که در ساعات ابتدایی آن، تعداد زیادی از صهیونیست‌ها کشته و زخمی و اسیر شدند.

(نه) بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی ملی شهدای (استان لرستان (۱۴۰۲/۸/۳)

(ده) وره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۶۰



و دنیای اسلام این را فراموش نکند که در این قضیه‌ی مهم و تعیین‌کننده، آن کسی که در مقابل اسلام، در مقابل یک ملت مسلمان، در مقابل فلسطینِ مظلوم ایستاد، آمریکا بود، فرانسه بود، انگلیس بود؛ این را دنیای اسلام فراموش نکند، این را بفهمند؛ در معاملاتشان، در معادلاتشان، در تحلیل‌هایشان فراموش نکنند این را که چه کسی ایستاده است و دارد روی این مردم مظلوم و ملت مظلوم فشار می‌آورد؛ صرف رژیم صهیونیستی نیست.

البتّه ما شک نداریم که «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ وعده‌ی الهی حق است. وَ لَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوْقِنُونَ؛ (۱۰) اینهایی که به وعده‌ی الهی یقین ندارند، با منفی‌بافی‌های خودشان شما را باید متزلزل نکنند، سست نکنند. و ان شاء الله پیروزی نهایی و نه چندان دیر، با مردم فلسطین و فلسطین خواهد بود.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، سه تن از دانش‌آموزان و دانشجویان به بیان نکاتی در خصوص مسائل کشور و حوادث غزه پرداختند.

(۲) ر.ک: صحیفه‌ی امام، ج ۱، ص ۴۱۵؛ سخنرانی در

(جمع مردم (۱۳۴۳/۸/۴)

(۳) پیروان

(۴) میرزا حسن خان وثوق‌الدوله

(۵) «اصل چهارم ترومن» اشاره دارد به نکته‌ی چهارم از سخنان هری ترومن (رئیس‌جمهور آمریکا) که در سال ۱۹۴۹ در سخنرانی خود گفت: «کشورهای غنی یک «مسئولیت اخلاقی برای کمک به کشورهای فقیر دارند»

ديوارنگاري براي هشتمين سالانه هنرهای شهري تهران



به گزارش خبرآنلاین به نقل از اداره ارتباطات و امور بین الملل سازمان زیباسازی شهر تهران، این سازمان در نظر دارد در راستای تحقق شعار «تهران، شهر الگوی جهان اسلام» با آفرینش هنر در محیط شهری با استفاده از هنر هنرمندان برجسته کشور، هویت کالبدی و اجتماعی شهر را به نماد و نشانه‌های هنر و فرهنگ اسلامی، ملی و بازگویی فضایل اخلاقی در آستانه فصل نو مزین کند.

هشتمین رویداد فرهنگی هنری بهارستان فرصتی برای تعامل اجتماعی بین هنرمندان و شهروندان، ترویج فرهنگ، آداب و آیین‌های ایرانی و اسلامی در پیشواز بهار و خلق نشانه‌ای بر منظر شهری برای ایجاد هویت اجتماعی و فرهنگی پایتخت است.

در همین راستا فراخوان دیوارنگاری با رویکرد بازآفرینی ارزش‌های فرهنگی در هویت اجتماعی و شهری، بهره از نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی در معماری و سیما و منظر شهری، توجه به ارزش‌های اخلاقی و یادآوری مفاهیم ارزشمند انسانی در آیین‌ها و مراسم ملی و مذهبی، بازنمایی هنرمندانه از مفاهیم ایثار، گذشت و مهرورزی در نمایه‌های فرهنگی و هنری شهر، ترویج فرهنگ با بهره از اثربخشی و خلق آثار هنری برای ایجاد سرمایه فرهنگی، اشاعه فرهنگ فاخر اجتماعی با ایده‌های نو و مشارکت مردمی و توسعه پایدار فرهنگ و هنر شهری برای دستیابی به الگوی کلانشهر فرهنگی در جهان اسلام را منتشر کرده است.

از اهداف انتشار این فراخوان می‌توان به ایجاد فضای تعاملی با شهروندان همدلی و همراهی برای احساس پویایی و نشاط شهروندی، توسعه پایدار هنر شهری و ایجاد سرمایه‌های فرهنگی در بستر برگزاری رویداد، خلق هنرمندانه آثار هنر شهری با بهره از عناصر هنر ایرانی اسلامی برای ترویج فرهنگ ایثار با مصداق‌های شهادت، گذشت، بخشش و ...، تبلیغ و ترویج فرهنگ مهرورزی، مهربانی، ادب و همدلی در نگاره‌های و نمایه‌های هنری شهر، توسعه هنر شهری با تاکید بر فرهنگ عمومی برای برگزاری رویدادها و مناسبت‌های ملی و مذهبی در آستانه نوروز و اعیاد شعبانیه و ایجاد فرصتی برای خلق و توسعه هنر مردمی اشاره کرد.

بر اساس آنچه در این فراخوان آمده است، هیات داوران و ویرایش آثار متشکل از اساتیدی چون: محسن ناصریان، اونیش امین الهی و محمدرضا زروئی نصرآبادی بوده و علاقه‌مندان می‌توانند از تاریخ ۰۶/۹/۱۴۰۱ الی ۱۳/۹/۱۴۰۱ برای ثبت‌نام و ارسال مستندات فقط از طریق سامانه رویدادهای هنر شهری سازمان زیباسازی اقدام کنند.



تهران- ایرنا- پیکر محمدعلی اسلامی ندوشن که به گفته خانواده‌اش به صورت امانی در تورنتو کانادا به خاک سپرده شده بود، به ایران منتقل می‌شود.

به گزارش ایرنا، صفحات مجازی دکتر اسلامی ندوشن که زیر نظر خانواده این چهره فقید فرهنگی و شیرین بیانی، همسرش اداره می‌شوند در اطلاعیه‌ای با عنوان «بازگشت به ایران» این خبر را اعلام کرده و نوشته‌اند:

«به ایران بیندیشیم» و «ایران را از یاد نبریم»

پیکر دکتر اسلامی ندوشن به خاکِ پاکِ ایران بازخواهد گشت

پیکر به امانت سپرده‌شده فرزند اصیل ایران دکتر اسلامی ندوشن که پس از جاودانگی روح بلندش، در کانادا به امانت بود بنا به وصیت وی به زودی در آغوش خاک پاک ایران آرام خواهد گرفت

دکتر اسلامی ندوشن در پنجم اردیبهشت ۱۴۰۱ در تورنتو (کانادا) درگذشت و به صورت امانی در آن جا در آرامگاهی موقت سپرده شد

بنا به وصیت او و پیگیری علاقه‌مندان، پیکر او در اواخر آبان‌ماه، جهت خاکسپاری در آرامگاه ابدی به ایران بازخواهد گشت

تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی امیر شاملو که در بخش استعداد‌های نو جشنواره حضور دارد. «جنگ جهانی چهارم» موضوع جنگ را در فضایی آخرالزمانی دنبال می‌کند. این فیلم با بودجه سی و هفت میلیون تومانی در یکی از شهرک‌های صنعتی اطراف تهران فیلمبردای شده است.

سحر روستایی، مهران داوودی، آرش خانی شایان و سید عرشیا یعقوبی در این فیلم به ایفای نقش پرداختند.

فیلم کوتاه «جنگ جهانی چهارم» پنجشنبه ۲۷ مهرماه ساعت ۱۸:۳۰ سالن ۱۰ و دوشنبه ۱ آبان‌ماه ساعت ۱۶ سالن ۱۰ در پردیس سینمایی ملت روی پرده خواهد رفت.

لازم به ذکر است در بخش استعداد‌های نو جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران ورود برای عموم آزاد است.

«تندیس توانمندی و مقاومت برای «دسته دختران

فیلم سینمایی «دسته دختران» به کارگردانی منیر قیدی و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری با حضور در ششمین دوره جشنواره خلاقیت و نوآوری «بنگلور» هند، موفق به دریافت تندیس «توانمندی و مقاومت» و شال افتخار این جشنواره شد.

در این رویداد بین‌المللی علاوه بر این ساخته منیر قیدی، فیلم سینمایی «بدون قرار قبلی» به کارگردانی بهروز شعبی هم حضور داشت.

از جایزه «دسته دختران» و اکران نشدن «گیج‌گاه» تا چند فیلم کوتاه جدید



فیلم سینمایی «دسته دختران» در حالی موفق به دریافت تندیس توانمندی و مقاومت می‌شود که فیلم «گیج‌گاه» در آستانه اکران به احترام درگذشت داریوش مهرجویی ترجیح می‌دهد روز دیگری اکران شود؛ همچنین چند فیلم کوتاه هم راهی پردیس ملت شد.

به گزارش گروه فرهنگی خبرگزاری تسنیم، چند فیلم کوتاه جدید در آستانه شروع جشنواره فیلم کوتاه تهران جزئیاتی از خودشان اعلام کردند؛ فیلم «دسته دختران» منیره قیدی جوایز جدیدی از آسیا را به خودش اختصاص داد، فیلم «گیج‌گاه» در آستانه اکران برای همدلی با علاقه‌مندان به داریوش مهرجویی و احترام به این استاد سینمای ایران ترجیح داد روز دیگری غیر از روز تشییع و خاکسپاری استاد، اکران شود.

فیلم کوتاه «جنگ جهانی چهارم» به جشنواره فیلم کوتاه می‌رود.

در آستانه چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از پوستر فیلم کوتاه «جنگ جهانی چهارم» به

جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران خواهد بود.

فیلم «گیج‌گاه» چهارشنبه اکران نمی‌شود.

عوامل فیلم سینمایی گیج‌گاه در همدلی با اهالی هنر و سینما که این روزها داغدار درگذشت دردناک داریوش مهرجویی، کارگردان بزرگ سینمای ایران‌اند؛ بیانیهای منتشر کردند.

متن بیانیه بدین شرح است:

بنام هنرمند ازل»

ما سازندگان فیلم سینمایی «گیج‌گاه» در روز تشییع پیکر استاد بزرگ فرهنگ و ادب سینمای ایران عالیجناب داریوش مهرجویی و همسرشان سرکار خانم وحیده محمدی‌فر فیلم خود را اکران نخواهیم کرد
«میروالی‌الهمدنی/حنیف سروری/ عادل تبریزی

حنیف سروری و عادل تبریزی، تهیه کننده و کارگردان فیلم «گیج‌گاه» در سال‌های نه چندان دور به عنوان دستیار کارگردان داریوش مهرجویی همکاری داشته‌اند.

فیلم کوتاه داستانی «زاک» رسید

تیزر فیلم کوتاه داستانی «زاک» به نویسندگی و کارگردانی علی خسروی و از آثار بخش ملی داستانی و «ایران جوان» چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران که توسط لقمان خالدی ساخته شده است، منتشر شد. این اثر که محصول انجمن سینمای جوانان ایران و باشگاه فیلم رویداد است، یک درام اجتماعی-خانوادگی است که در استان

سال گذشته نیز فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبی» به کارگردانی کاوه صباغزاده، به عنوان بهترین فیلم اثرگذار فرهنگی، از سوی این جشنواره بین‌المللی انتخاب شده بود.

ششمین دوره جشنواره خلاقیت بنگلور از ۲۰ تا ۲۳ مهر (۱۲ تا ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳) در هند برگزار شد.

راه‌یابی «آخرین شیهه...» به جشنواره فیلم کوتاه

همزمان با راه‌یابی فیلم کوتاه «آخرین شیهه اسبی که خواب پروانه شدن دیده بود» به کارگردانی مهدیه محمدی و تهیه‌کنندگی سیدمحمدرضا حسینی به بخش فیلم‌های کوتاه داستانی چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، از پوستر این اثر با طرحی از علی غیاث‌آبادی رونمایی شد.

این اثر کوتاه ۱۷ دقیقه‌ای که ژانری عاشقانه دارد، در شمال کشور فیلمبرداری شده است.

در خلاصه داستان این اثر آمده است: «آدم‌ها من را به یاد تو نمی‌اندازند، اینجا هیچ کس شبیه تو نیست... دلم که تنگ می‌شود برایت، کنار آتش می‌نشینم، دریا می‌کشم.» و به درختان فکر می‌کنم.

نیما نادری و مهدخت مولایی بازیگران این فیلم کوتاه‌اند.

آخرین شیهه اسبی که خواب پروانه شدن دیده بود» دومین اثر مهدیه محمدی در مقام کارگردان پس از فیلم کوتاه «برادر» است و اولین رونمایی آن در چهلمین



وزیر میراث فرهنگی ادامه داد: غار کرفتو با قدمت و پیشینه دراز تاریخی از جمله جاذبه‌های منحصربه‌فرد این منطقه و سرمایه‌ای ارزشمند برای کشور به‌شمار می‌رود.

وی با بیان اینکه مجموعه تفریحی گردشگری رفاهی سپهر تابناک غرب که در ورودی شهرستان دیواندره احداث شده در نوع خود بی‌نظیر است، افزود: این پروژه تفریحی گردشگری دارای امکاناتی از جمله بوستان آبی، استخر، تالار پذیرایی، رستوران، جایگاه سوخت سه گانه و سوییتهای اقامتی است.



گیلان مقابل دوربین رفته است و در ستایش خانواده و زن ایرانی ساخته شده است.

زاک» هشتمین فیلم کوتاه داستانی علی خسروی است» و فهیمه مومنی، مهرداد بخشی، محمد امین، احمد امیری امامی و ریرا سلطانی در این اثر که در ستایش خانواده است، به ایفای نقش پرداخته‌اند.

گفتنی است چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به دبیری مهدی آذرپندار ۲۷ مهر تا ۲ آبان ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد.

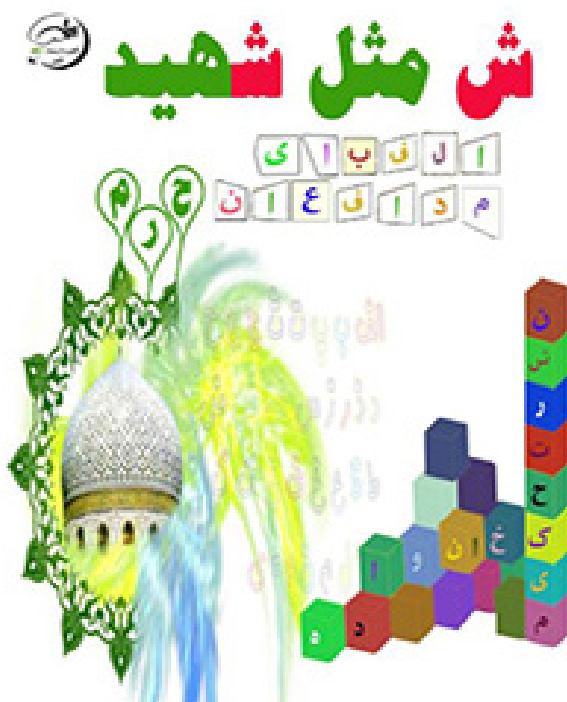
وزیر میراث فرهنگی کردستان ریشه ایران است

سنندج- ایرنا- وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که در قامت سفر استانی رئیس‌جمهور به کردستان رفته است، گفت: کردستان ریشه ایران است و امنیت امروز مرزهای کشور در این خطه مرهون از خودگذشتگی شهدا و فرزندان این آب و خاک است و باید برای توسعه این استان در حوزه‌های گوناگون از جمله گردشگری همه توان خود را به‌کار گیریم.

به گزارش ایرنا، عزت‌الله ضرغامی روز پنجشنبه با حضور در شهرستان دیواندره و بازدید از مجتمع تفریحی گردشگری سپهر تابناک غرب در این شهر اظهار کرد: جای استان کردستان از جمله شهرستان دیواندره دارای ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی و گردشگری بسیاری است و باید به این ظرفیت‌ها توجه ویژه شود.

کتابهای انتشارات تحکیم خانواده

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی یار متخصص شما دارای واحدهای مستقل در تولید کتاب و بازی و سرگرمی، واحد کودک-خردسال، واحد نوجوان و جوان، واحد دانشگاهی، واحد ترجمه و بین المللی است. انتشارات تحکیم خانواده مدعی حلقه ی واصل دانشگاه و خانواده هستیم. ما را با آرم و نشان «توتایار» که مخفف انجمن تعلیم و تربیت اسلامی یار متخصص شماست، بشناسید. بازی ها و سرگرمی هایی مطابق با فرهنگ اسلامی ایرانی و تولید محتوا در این راستا هدف ما در انتشارات تحکیم خانواده است.



واقعی از جامعه است و این به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست، بیان کرد: به دلیل شبکه گسترده تعاملات در حوزه سبک زندگی و افزایش ارتباطات میان کشورها، انتظارها هم افزایش پیدا کرده است.

وی با اشاره به اینکه ۳۲ شبکه ماهواره ای معاند به زبان گُردی فعالیت می‌کنند، افزود: با همه این تهدیدها در موضوع‌های مختلف و به ویژه اعتقاد به مسائل دینی براساس نظرسنجی‌های انجام شده مردم همچنان خواهان حفظ ارزش‌های اسلامی هستند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: چند سال گذشته در حوزه فرهنگ جریانی تلاش می‌کرد حاکمیت را از حوزه فرهنگ خارج کند که موفق نشدند.

اسماعیلی یادآور شد: سال ۱۳۸۴ اقتصاد حوزه کتاب در ایران ۲۵۰ میلیارد تومان بود و وزارت ارشاد برای مدیریت حوزه کتاب ۸۰ میلیارد تومان در اختیار داشت و این میزان در سال ۱۴۰۰ به هشت هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسید و برای مدیریت فضای کتاب وزارت ارشاد هم در این سال ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار داشت.

وی با اشاره به اینکه پیاده روی اربعین به دلیل عمق قدرتمند فرهنگی کشور است، گفت: امسال مردم دورترین مناطق کشور به ویژه از مرز باشماق مریوان شاهد حضور پرشور مردم برای شرکت در اربعین بودیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش از تلاش جبهه فرهنگی برای گسترش فرهنگ انقلاب و ارزش‌های دینی قدردانی کرد و گفت: این روزها، روزهای

اسماعیلی: مسائل فرهنگی و هنری کشور واقع بینانه تحلیل شود



به گزارش ایرنا، محمد مهدی اسماعیلی شامگاه پنجشنبه در نشست هم‌اندیشی با فعالان عضو جبهه فرهنگی استان کردستان در سنندج اظهار کرد: کمتر استانی در کشور شرایط اطلاق کامل عنوان فرهنگی و هنری را دارد اما کردستان از این ویژگی برخوردار است و کاملاً استانی فرهنگی و هنری به شمار می‌رود.

وی اضافه کرد: در کردستان با وجود همه مشکلات پیش رو، شاهد رشد و تعالی فرهنگی و هنری هستیم و این به راحتی قابل دیدن است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: یکی از مسائلی که ما باید نسبت به آن حساس باشیم تحلیل واقع بینانه از شرایط و مسائل جامعه است و نباید در این زمینه دچار خوش بینی و بدبینی شویم.

اسماعیلی با بیان اینکه بخشی از جهاد تبیین توصیف

بازیگر فیلم محمد رسول الله: فیلم کوتاه بازیگران را برای حضور در مارا تن‌های سخت آماده می‌کند



سیامک ادیب، بازیگر شناخته‌شده سینما، تئاتر و تلویزیون معتقد است که تجربه بازی در فیلم کوتاه، بازیگران را برای حضور در یک مارا تن بسیار سخت آماده می‌کند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، سیامک ادیب، از جمله بازیگران با تجربه تئاتر، سینما و تلویزیون است که تجربه بازی در آثار سینمایی متعددی چون «محمد رسول الله»، «لامینور»، «صحنه زنی»، «بمب یک عاشقانه»، «چیزهایی هست که نمی‌دانی»، «مالاریا»، «اروند» و... را دارد.

ادیب که امسال با دو فیلم کوتاه «ناسوخ» و «شرایط» در چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران حضور دارد، در پاسخ به این پرسش که آیا کار کردن با کارگردانان جوان عرصه فیلم کوتاه با ریسک همراه است یا خیر، به خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم گفت: برای من ماجرا از این قرار است که به طور کلی فیلم کوتاه را بیشتر از فیلم بلند و یا سریال دوست دارم. خوشبختانه در این زمینه خوش‌شانس بوده‌ام و تاکنون عمده فیلم‌های کوتاهی که

تلخی را پشت سر می‌گذاریم و حوادث غمباری را در غزه شاهد هستیم که روح و جان همه مومنان و آزادیخواهان جهان را تحت تاثیر قرار داده است.

اسماعیلی ادامه داد: این میزان از خشونت که در این دوره تاریخی شاهد آن هستیم نشان می‌دهد با چه رژیم نژاد پرست و طغیان‌گری مواجه‌ایم.

به گزارش ایرنا، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور کشورمان در دور دوم سفرهای استانی خود به منظور دیدار با مردم، بررسی مصوبات سفر دور اول و افتتاح ۱۶ کلان‌پروژه، صبح امروز وارد سنندج مرکز استان کردستان شد.

رئیس دفتر رئیس‌جمهور، وزیر کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیرو، میراث فرهنگی و گردشگری، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی، رییس سازمان حفاظت محیط زیست و رییس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی رئیس‌جمهور را در سفر به استان کردستان همراهی می‌کنند.

حضور در مراسم بهره‌برداری از راه آهن سنندج - همدان، افتتاح فرودگاه سقز، دیدار مردمی در سنندج، دیدار مردمی در بانه، دیدار با روحانیون، فعالان اقتصادی و نشست خبری از جمله برنامه‌های دکتر رئیسی در سفر به کردستان است.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی ۱۷ تیرماه سال ۱۴۰۱ دور نخست سفر خود به استان کردستان را انجام داد. رییس‌جمهور پاییز سال گذشته نیز در سفری یک‌روزه برای افتتاح پروژه انتقال آب سد آزاد به سنندج به این شهر سفر کرد.

جشنواره‌های معتبر بین‌المللی و برگزیده شدن در آنها بتوانند بخشی از سرمایه ساخت خود را بازگردانند.

ادیب یادآور شد: برخی حساب و کتاب‌ها در فیلم کوتاه وجود ندارد. من به رغم اینکه مبتنی بر قرارداد در فیلم‌های کوتاه حضور پیدا می‌کنم، اما گاهی از دوستان تهیه‌کننده می‌پرسم که آیا در پایان، پولی می‌ماند که به ما بدهید یا نه؟ اگر می‌ماند چقدر می‌دهی و چه زمانی پرداخت می‌کنی؟ (می‌خندد). به نظرم فضای فیلم کوتاه دقیقاً مانند تئاتر است و بازیگر با حضور در آن، در معرض تمرین قرار می‌گیرد تا برای حضور در ماراتن‌های بسیار سختی مانند فیلم بلند مهیا شود تا وقتی در یک فیلم بلند حضور یافت، داشته‌های بیشتری را اندوخته باشد. به طور کلی دیدگاه من نسبت به حضور در فیلم کوتاه متفاوت است.

بازیگر سریال تلویزیونی «خوشنام» در پاسخ به این پرسش که آیا جشنواره فیلم کوتاه بستر کافی و مناسبی برای استعدادیابی و نمایش آثار فیلمسازان جوان محسوب می‌شود یا اینکه لازم است بسترهای دیگری هم برای منظور، تدارک دیده شوند، گفت: من فکر می‌کنم اگر قرار است بستر تازه‌ای به عرصه فیلم کوتاه اضافه شود، ابتدا باید صبر کنیم تا بسترهای موجود به تکامل برسند و سپس این کار را انجام دهیم. جشنواره فیلم کوتاه تهران باید آوردگاهی برای کشف استعدادهای کشف نشده باشد؛ کسانی مثل محمد کارت که کارشان را از ساخت فیلم کوتاه شروع کردند و اکنون آثار درخشانی را می‌سازند.

سیامک ادیب، خاطر نشان کرد: فکر می‌کنم هنوز جشنواره فیلم کوتاه تهران به نقطه‌ای نرسیده است که بتواند کارکرد استعدادیابی را به معنای تام و تمام آن ایفا کند. حواشی برگزاری جشنواره‌ها همواره وجود دارند و اساساً در هر

در آنها حضور داشته‌ام، تجربه خوبی را برایم رقم زده‌اند و از همکاری با کارگردان‌هایشان بسیار خوشحالم. البته چند تجربه ناموفق هم داشته‌ام اما در مجموع راضی هستم؛ چراکه آورده خوبی برایم به همراه داشته است.

ین بازیگر ادامه داد: امسال در چهار فیلم کوتاه بازی کردم و به هر چهار فیلم، افتخار می‌کنم؛ چراکه آثار بسیار خوبی هستند. به هر ترتیب، فیلم کوتاه بسیاری از مسائلی که فیلم بلند به آنها مبتلاست را ندارد؛ مثلاً اینکه درگیر استفاده از بازیگران چهره برای تضمین فروش در گیشه نیست و در قید و بندهایی که فیلم‌های بلند با آنها روبه‌رو هستند، جای نمی‌گیرد. به همین خاطر می‌توان گفت که فیلم کوتاه، هنری خالص‌تر و دلنشین‌تر است و به نوعی حکم تئاتر را برایم دارد.

او درباره ملاک‌هایی که برای ایفای نقش در فیلم‌های کوتاه به آنها توجه دارد، گفت: طبیعتاً فیلم‌نامه باید به دلم بنشیند و اگر کارگردان پیش از این کارهایی را ساخته باشد، لازم است حتماً آنها را ببینم و در نهایت، گفت‌وگوی مفصلی با کارگردان داشته باشم. تا به امروز غالب آدم‌هایی که در حوزه فیلم کوتاه به من پیشنهاد همکاری داده‌اند، آدم‌های درجه یکی بوده‌اند و از همکاری با آنها بسیار خوشحالم.

بازیگر سریال تلویزیونی «برف بی‌صدا می‌بارد» درباره مسئله بازگشت سرمایه ساخت فیلم کوتاه در مقایسه با فیلم بلند گفت: سرمایه‌گذار یا تهیه‌کننده فیلم کوتاه می‌داند که دارد روی تولید اثری که جنبه هنری آن پررنگ‌تر است، سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین با نوعی خودآگاهی وارد این فضا می‌شود. با وجود این، مسئله بازگشت سرمایه در فیلم کوتاه از اهمیت بسزایی برخوردار است و امیدوارم تمامی فیلم‌های کوتاه با حضور در

ساعت به وقت جشنواره

سهیلا سادات حسینی: «هناس» به کارگردانی حسین دارابی و تهیه کنندگی محمد رضا شفا به ترسیم فیلمنامه ای که توسط مهدیه عین اللهی و احسان ثقفی با مضمون زندگی و شهادت شهید داریوش رضایی نژاد نوشته شده است؛ می پردازد. بهروز شعبی و مریلا زارعی به ایفای نقش های شهید و همسرش می پردازند. حسین دارابی که اولین فیلم بلندش با نام «مصلحت» در همین ایام بعد از سه سال توقیف به پرده ی سینما راه یافته است. در دومین تجربه ی فیلم بلند خود «هناس» را در سال ۱۴۰۰ راهی چهلمین جشنواره ی فیلم فجر نمود

فیلم با سکانس انتهایی شروع می شود. آغازی نه چندان حرفه ای که حساس ترین صحنه اش را در همان ابتدا به نمایش در می آورد. و به عقب باز می گردد. زمانیکه خانواده ی شهید قصد عزیمت به آلمان را دارند و سفرشان به طور مرموزی کنسل می گردد. این امر نقطه ی عطفی می شود. برای کنجکاوی ها و نگرانی های زنانه ی شهره پیرایی همسر شهید که روایتگر اصلی فیلم بوده است. ساخت فیلم از نگاه ایشان انتخاب خاصی بود که اگر به فیلمنامه، دیالوگ ها و سایر وجوه فیلم توجه بیشتری می شد. می توانست با زوایه ی دیدی متفاوت، خود را از سایر فیلم های اینچنینی متمایز گرداند. همچنین اگر انتخاب این نگاه به دلیل بیان واقعی داستان بوده است. برداشتن پوشش چادر همسر شهید در فیلم با هر هدفی، موجب انحراف از بیان واقعیت گردیده است

حدود ۸۰ دقیقه از فیلم در شک ها، ابهامات، تردیدها و ترس های همسر شهید سپری می شود. که با بازی هنرمندانه ی مریلا زارعی این حالات روحی به خوبی

احساس می شوند؛ اما درک آن اتفاقات و عکس العمل ها توسط مخاطب در هاله ای از ابهام است. خصوصا زمانیکه اتفاقات به تکرار می افتند. مثلا: روشن و خاموش شدن مانیتور و نگاه مرد از پنجره ی روبرو، انفعال و تردید او فیلم را دچار چالش می نماید. این عوامل موجب می شود همسر شهید فردی غیر دانا، احساسی و ترسو به تصویر کشیده شود. تا اینکه در دقایق انتهایی که شهره تصمیم می گیرد. همسرش را همراهی نماید. به یک باره به فردی تبدیل می شود که دارای شناختی کامل و دقیق از همسرش است. این در حالی است که اگر فردی با نگاه ها، ارزش ها و باورهای همسرش آشنا باشد. برای همراهی با او شاید دچار نگرانی و تشویش گردد. اما اصرار بیش از حدش در استعفا دادن شهید و ملاقات با دشمنان وی، با شناخت باورها و عقاید همسرش در تضاد است. شناخت ناکافی ای که بعد از شهادت شهید توانست از هناس به هناسم برسد

همانطور که شخصیت شهید در فیلم برای همسرش ناشناخته است. مخاطبان نیز نتوانستند به شخصیت او را بشناسند. تمام داشته های آن ها از شخصیت رضایی نژاد سکانس مبهم کودکی او و جمله ای از همسرش که: «تو خیلی مسئولیت پذیر هستی» می باشد. تا اینکه در قسمت های انتهایی خاطراتی توسط شهید بیان می شود. رضایی نژاد در طول فیلم شخصیت تأثیرگذاری در جریان ها نشان داده نشده است. و این امر با بازی ضعیف و بدون حس بهروز شعبی بیشتر دیده می شود. طوریکه بودن و نبودن او به اصل فیلم لطمه ای وارد نمی کند. این بزرگترین نقص فیلم یعنی عدم تحقق رسالت اصلی اش می باشد. و آن چیزی جز شناساندن شخصیت شهید به مخاطبان نبوده است. آنجا که حاج قاسم سلیمانی گفت: «تا کسی شهید نبود، شهید نمی شود. شرط شهید شدن،

است. به همین سبب بهتر بود این امر در چهلمین جشنواره فیلم فجر نیز مورد توجه قرار می گرفت. تا انگیزه ای برای سایرین در پرداختن بدین موضوعات گردد. موضوعاتی که چالش هایی بیشتر از ساخت یک فیلم معمولی را برای عوامل فیلم به همراه دارد

@totayar.ir اینستاگرام **@sayes_man**

@totayar **سروش و ایسا و آی گپ**

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

کجا می روی آیدا؛ Quo Vadis, Aida

سهیلا سادات حسینی: یاسمیل ژبانیچ نویسنده و کارگردان بوسنیایی فیلم سینمایی «کجا می روی آیدا؟» تلاش قابل تقدیری نمود تا روایتی از نسل کشی ۱۹۹۵ صرب ها در سربرنیتسا به عنوان منطقه ی امن بین المللی که بزرگترین کشتار بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا محسوب می شود؛ به تصویر بکشد. این فیلم با بازی یاسنا جورچیچ، ازودین باجروویچ، بوریس لرد در سال ۲۰۲۰ برای اولین بار در بخش اصلی هفتاد و هفتمین دوره جشنواره بین المللی فیلم ونیز اکران شد. همچنین توانست نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم بین المللی از نود و سومین دوره جوایز اسکار گردد و با شرکت در سی و چهارمین دوره جوایز فیلم اروپا در سال ۲۰۲۱ توانست جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردان اروپایی و بهترین

شهید بودن است. اگر امروز بوی شهید از رفتار و اخلاق کسی استشمام شد، شهادت نصیبش می شود. تمام شهدا دارای این مشخصه بودند. مشخصه هایی که بیننده نتوانست شاهد آن ها در جریان فیلم باشد. بنابراین افراد با برداشت شخصی خود او را خواهند شناخت. درست برخلاف فیلم «موقعیت مهدی» که بعد از تماشای فیلم می توانی شخصیت مهدی باکری را تصور نمایی.

آنچه در حین دیدن فیلم بیننده را آزار می دهد؛ جای خالی مأموران امنیتی است. هر چند شاید شهید تمایل نداشته است که مورد مراقبت قرار گیرد. اما فیلمسازان می توانستند. حداقل این نگرانی، پیگیری و درخواست محافظ قرار دادن برای ایشان از سوی دستگاه های امنیتی را نمایش دهند. یا اگر هم کارگردان قصد داشته بر نبودن نیروهای امنیتی تأکید کند. بهتر بود بی پروا تر بدان می پرداخت. نه اینکه فقط به طور سطحی مطرح شود. این محافظه کاری در قسمت های دیگر فیلم که بحث ترور شهدای هسته ای مطرح می شود نیز به چشم می خورد. که هیچ اشاره ای به اینکه چه کسانی به چه دلایلی قصد ترور یک مهندس را دارند. بیان نمی کند. گویا سازندگان فیلم اینطور تصور کرده اند که مخاطبان خودشان این ها را می دانند. در صورتیکه یک فیلم کامل باید برای تمام مخاطبان با هر زمینه ای قابل فهم باشد تا آن ها نیز بتوانند با فیلم ارتباط برقرار کنند. در انتها نیز صحنه ی ترور که می توانست یکی از نقاط اوج و پوشاننده ی برخی کاستی ها باشد؛ با اجرایی بسیار ضعیف فیلم را به هیبت کشاند

با وجود آنچه گفته شد هناس می تواند به عنوان یک فیلم خانوادگی عاشقانه، سرگرم کننده باشد. و نباید از موضوع حیاتی ای که فیلمساز به سراغ آن رفته است چشم پوشی کرد. پرداختن به این مسائل در سینما بسیار با اهمیت

پردازد که در سخت ترین شرایط، نگرانی برای تمام همشهريانش را کنار نهاده و فقط به نجات جان همسر و دو پسرش فکر می کند؛ وی در این راه یک تنه به مقابله با سرنوشت می رود. نمایش پیوستار تغییر باور او در اعتماد به سازمان ملل تا عدم اعتماد به آن، نقطه ی اتصال تمام تصمیماتش است. وی در نهایت استیصال و ابهام، تصمیماتی می گیرد که از یک نظر منطقی و از زاویه ای دیگر، کاملا اشتباه و ناممکن هستند اما او ترجیح می دهد هر کاری بکند تا شاهد کشتار خانواده اش نباشد. خانواده ای که در مقابل او حق اظهار نظر ندارند. شاید اگر پسر کوچک راه جنگلی را که خودش برگزیده بود می رفت. سرنوشت متفاوتی برایش رقم می خورد. شرایطی که هیچ کس نمی توانست قاطعانه بگوید بهترین راه چیست؛ که البته بهتر بود کارگردان این عدم قطعیت و تردیدها را به نحو واضح تری به نمایش می گذاشت.

مخاطب که در انتها آن ها را فریب خوردگانی می بیند که به راحتی اجازه دادند؛ سلاخی شوند. از خود می پرسد آیا راه دیگری نداشتند؟ امام حسین(ع) اینگونه به آن ها پاسخ می دهد که: "مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است" و قطعاً اگر رهبری چون امام خمینی (ره) داشتند که می گفت: "بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می شود" اینچنین در فرار از مرگ خود را به دامانش نمی سپردند؟ به راستی کدام شیوه، بیداری، آگاهی و خروش جوامع انسانی را بیشتر با خود همراه می سازد و افسوس کمتر و رضایت بیشتری باقی می گذارد؟

بازیگر زن اروپایی با بازی یاسنا جورچیچ در نقش آیدا را از آن خود کند. بازیگری که به خوبی توانست در تمام لحظات فیلم با حضور پررنگش علاوه بر نمایش نقش های مختلف، حال و هوای حاکم بر کل مجموعه را نیز به مخاطب مخابره نماید و او را در تمام دویدن ها، سکوت ها، انتظارها، اضطراب ها، ترس ها و ندانستن هایش با خود همراه کند. شخصیتی کاملا ساخته و پرداخته شده. که هیچ حرکت و کلامی برخلاف آن مشاهده نمی شود. فیلم با نمایش تانک ها و نظامیانی که در عین خونسردی همه چیز را سر راهشان نابود می کنند؛ در همان آغاز به مخاطب می فهماند که با روایتی جنگی روبروست و در حالیکه راوی یکی از خشن ترین جنایات ضد انسانی است. هنرمندانه بدون نشان دادن قطره ای خون یا صحنه ای دلخراش، عمق فاجعه را ترسیم می کند و تا سکانس آخر نیز به خطوط اصلی فیلم و شخصیت هایش وفادار می ماند.

قبل از هر چیز دوربین با سکوتی عمیق وارد خانه ی آیدا می شود و به نمایش تصاویر بسته ی چهره های نگران تک تک اعضای خانواده می پردازد تا روایتگر آرامش قبل از طوفان باشد. روایتی از نگاه آیدا که قبلاً معلم بوده و در شرایط کنونی ضمن اینکه مترجم سازمان ملل است. دغدغه های مادرانه لحظه ای رهاش نمی کنند. صحنه ای از فیلم که سربازی صرب، آیدا را معلم خطاب می کند و احوال پسرش را می پرسد. ضمن مبهوت کردن مخاطب به او می گوید؛ این جنگ میان مردمانی است که سال ها در کنار هم زندگی کرده و اینچنین ترس جایگزین حس خوشایند دیدن شاگرد قدیمی شده است. هم کلاسی ها و هم بازی هایی که حالا وقتی یکی جان می دهد؛ دیگری آن را موسیقی متن زندگی اش می کند و در کمال آرامش به بازی می پردازد.

کارگردان با پرهیز از قهرمان پروری به نمایش زنی می

••••• @totayar.ir اینستاگرام @sayes_man

••••• @totayar سروش و ایتا و آی گپ

••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

••••• www.totayar.ir

••••• www.sayesman.ir

محرمانه از تبلیغ تا نمایش

منصفانه آن است که به بازی خوب بازیگرانی چون لاله اسکندری، نسیم ادبی، فاطمه گودرزی، علیرضا جلالی تبار، فریبا متخصص، آرش آصفی، رضا توکلی، بهناز نادری، زهیر یاری، سولماز حصاری، احسان امانی و الهام طهموری نیز اشاره کرده و تأکید شود در ساخت فیلم و سریال زمانی می توانیم شاهد آثاری جذاب، پرمحتوا و تماشاگر پسند باشیم که مجموعه ای از عوامل در بهترین شکل خود کنار هم قرار بگیرند.



سهیلا سادات حسینی: پخش سریال تلویزیونی محرمانه به کارگردانی محمود معظمی، نویسندگی مهدی حمزه و تهیه کنندگی سیدرامین موسوی در بیست و چهار قسمت تا اواخر آبان ۱۴۰۲ از شبکه سه سیما ادامه داشت. مجموعه ای با محوریت کرونا در گونه ی امنیتی علمی که بازیگران بسیاری را با خود همراه و با تبلیغات فراوان از شبکه های مختلف، مخاطبان را امیدوار به تماشای سریالی قابل توجه نمود. آگاه نمودن مخاطبان از خراب کاری ها و دشواری های ساخت واکسن کرونا و نیز تخلفات شرکت های دارویی به همراه نمایش کمک های خودجوش مردمی، از نقاط قوت آن محسوب می شوند. داستانی که تا کنون نسبت به سایر آثار ساخته شده در مورد کرونا اطلاعات بیشتری را به بینندگان ارائه کرد؛ اما ورود یکباره ی بیشتر بازیگران و خرده روایات در همان آغاز، به ریتم و جذابیت سریال ضربه زد و از هم گسیختگی و تکه تکه بودنش موجب مایوس شدن بسیاری از مخاطبان در چند قسمت ابتدایی گردید. در ادامه، تعریف نشدن دقیق شخصیت ها، موقعیت ها، روابط میان گروهی و نمایش آن ها به صورتی خشک و دستوری به همراه دیالوگ های نامناسب و بدون احساس، با بازی سطحی و تصنعی تعدادی از بازیگران خصوصا علیرام نورایی در نقش اول بخش اطلاعات و غلبه ی فضا سازی بر داستان، ضعف آن را بیشتر نمایان ساخت. ضمن آنکه تصویربرداری در خارج از کشور و حضور بازیگران غیر ایرانی نیز نتوانست کمکی به آن نماید. این در حالیست که پیشتر شاهد آثار موفق چون سریال گاندو با روابطی بسیار صحیح و تعریف شده و نقش آفرینی های پرکشش بوده ایم.

آقاجانی که همیشه بدودو می رفتم از هر جا و هر زمانی صدایش می کردم تا این مستند را ببیند دیگر تمایلی به دیدن نداشت. او خوابمش می آمد. به طوری خوابید که دیگر نماز صبح بیدار نشد. به همین راحتی ...

زبا رفتن آقاجان چند روز بعد آن گلخانه با آن همه سرسبزی و طراوت و بزرگی کم کم رو به زردی رفت. گلهایی که تا آن حد بدان ها حساس بودم و در نگه داریشان دقت می کردم ، یکی یکی پژمردند. زرد شدند و دیگر از گل دادن هایشان خبری نبود. باور نمی کردم که هر کاری که بلد بودم انجام می دادم اما گلهای هم دیگر دوست نداشتن به این دنیا برگردند. این تمام درس هایم بود که گلهای رفتن آقاجان را فهمیده بودند.

از آن به بعد فهمیدم هیچ جانی ماندنی نیست، آقا جان و گلهای رفتند. اما عینک بی جان او بیست سال در صندوق اشیاء مهم زندگی ماند. فرشی که آقاجان روی آن خوابیده بود. تلویزیونی که راز بقا را در آن می دید. متکای گرد با رویه ی سورمه ای با گلهای ریز که آقاجان آن شب زیر سرش بود فقط ماندند. اما باز نه مانند اولشان. آنها هم پیر شدند و در حد نابودی اند.

آی آدم ها من به قیمت گزاف فهمیدم که همه چیز رفتنی است. بیشتر از اینکه مراقب اشیاء باشید مواظب آقاجانتان باشید. فاطمه محمودی

آموزه های من: آقاجان

همیشه با پدرم خاک گلدان را عوض میکردیم. من مسول رسیدگی به تمیزی گلهای بودم، برگهای زرد را جدا میکردم ، آب میدادم، گلبرگها را دستمال می کشیدم ، ولی عوض کردن خاک و جابه جایی گلدان ها کار بابا یا همان آجانم بود، اگر به من بگویند کل خصوصیات آجان را با یک کلمه توصیف کن کلمه راحت به ذهنم میاد، آجان خیلی راحت بود و همه چیز را خیلی راحت می گرفت، همه چیز را برخورد با آدم ها، نظافت منزل، خوابیدن در بدترین سروصداهای بچه ها ، تلخیهای مشتری های نانواپیش، غرغر کارگرایان ... هیچ چیز را سخت نمی گرفت . ولی من در کار تعویض خاک گلدان ها خیلی حساس بودم، ساده به همه چیز گیر می دادم. می گفتم آجان چرا گلدان را گذاشتی تو حیاط کثیف شد، آجان چرا موقع تعویض گلدان دقت نکردی و یک برگ شکست، ببین آجان خیلی آب دادی خراب شد ...

آخرین باری که سر گلدان ها با آجان بحثم شد سالهای سال قبل، قهر کردم و گفتم آجان به حرفم اهمیت نمیدهی اصلا من کمک نمیکنم همه شو خودت عوض کن چند هفته بعد از آن آجانم رفت ، در خواب ، خیلی راحت مثل تمام زندگیش.

شب موقع خواب گفتم که پشتش درد می کند. یک قرص استامینوفن به آقا جان دادم و گفتم شب دهم می دهد نمی بینی؟ گفت نه خوابم می آید.

باز هم چند دقیقه بعد گفتم دوستاتونو نشون می ده نمی بینی؟ گفت نه. با اینکه عاشق این مستندها بود اما گفت نه. نه ای که صبح فهمیدم برای چه بود.

••••• @totayar.ir اینستاگرام @sayes_man

••••• @totayar فروش و ایتا و آی کپ

••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

••••• www.totayar.ir

••••• www.sayesman.ir

دعا و مناجات نگاه تان را تغییر داده و افکارتان را نظم می دهد.

خواندن کتاب برای دور کردن حواس خود از افکار استرس زا میتواند آموزه ای جدید به شما بدهد تا راهکار برون رفت از مشکلات را بیابید.

یک کار عام المنفعه و خوب انجام دهید.

نامه ای به کسی بنویسید تا احساسات خود را به گوش دیگران برسانید، اما در واقع آن را ارسال نکنید.

نقاشی یا طراحی کنید. مهم نیست بلد نیستید. مهم این است که دل ورق توسط شما سازمان داده شود. ی

یک فکر برای خود رزرو کنید تا علایقتان را برآورده کند. فهرستی از کارهایی که باید انجام دهید بنویسید و در حین انجام آنها را خط بزنید.

سعی کنید همه چیز را در چشم انداز قرار دهید و انتهای کار تو خشنود باشی و ما رستگار، دستور کارتان باشد.

گوشیتان را خاموش کنید و برای خودتان وقت بگذارید. ساده بگوییم با خودتان تنها باشید.

کاری را که دوست دارید با خانواده یا دوستان انجام دهید مانند رفتن به یک نمایش همان دست رزرو کردنهایی است که در اینجا به تفریح ختم شد.

اتاق و محل سکونت تان را تغییر شکل دهید

به دیدار خانواده و دوستان خود بروید یا دعوتشان کنید. تا دنیا را خودتان بسازید و به اجبار زندگی نکنید

تغییر منظره داشته باشید

دایره تعاملاتتان را گسترده تر نمایید و با افراد جدید آشنا شوید.

به کلاس های آموزشی مهارتهای زندگی بروید.

یاد بگیرید روش صحیح بیان احساسات و عواطف چگونه است.

با افراد مثبت گرا و امید دهنده که به طور معمول

لحظه ای با دکتر:

مطالعه ی آرامش

برای آسایش (۸)

نکات درخشان در مدیریت استرس و کسب آرامش:

با یک دوست ملاقات داشته باشید.

ده دقیقه در روز را برای استراحت و جمع آوری افکار خود کنار بگذارید.

تماشای مناظره های تلویزیونی آخر شب که به واقعیت های جهان می پردازد بسیار شما را به واقعیت های جهان نزدیک می کند.

به موسیقی آرامش بخش گوش دهید. این می تواند یک مدح ائمه اطهار ع باشد.

فیلم های خنده دار تماشا کنید. اما یادتان نرود این کار برای موکول کردن افکار تهاجمی است.

در حومه محله تان قدم بزنید و انجاهایی که با سرعت گذر کرده بودید را آرام بروید. هدف افزایش دقت و بررسی علل این که چرا تا کنون توسط شما دیده نشده است. این یک درس بزرگی است که از یک گزینه ای دیدن تنها متوجه شویم که مسائلی است که شما به ذهنتان نرسیده است

به باشگاه بروید و به ورزش های آبی بپردازید.

در حمام با روغن اسطوخودوس بدن خود را آرام کنید. تمرکز و سکوت را مدتی تمرین کنید.

صحبت کردن با یک نفر فقط برای اینکه کمی هوایتان را عوض کنید مفید است. بهتر است اهل دل، اهل تذکر و به طور کلی اهل باشد.

به خودتان فرصت بدهید و بیشتر بخوابید.

بزرگسالانه.

از به تعویق انداختن کارها خودداری کنید.
 یک مکان ساکت پیدا کنید و سعی کنید یک خاطره شاد
 را تجسم کنید.
 یک کار خلاقانه مانند بافندگی یا اوریگامی انجام دهید
 یک ساز بسازید. با قابلامه یا میز آهنگ بزنید. از هر
 ابزاری که بلد هستید صدای تبل و سنج در بیاورید.
 با بچه ها بازی کنید و وقتتان را بگذرانید.
 اکسیژن خالص استنشاق کنید. ادامه دارد منتظر باشید ...



دین دارند وقت بگذرانید.

یک فنجان نوشیدنی، یک دفتر خاطرات و یک خودکار
 طرحی جدیدی است که باید تجربه کنید و با نگاه تازه
 بنویسید. این نامه نیست این یک نویسندگی برای تمام
 مردم است.

وعده غذایی های سالم بخورید و از کافئین پرهیز کنید
 نزدیک شدن به طبیعت به عنوان مثال پیاده روی در
 ساحل، مشاهده غروب خورشید یک مرحله بالاتر از دیدن
 طبیعت در آخر شب در تلویزیون است.

برنامه های مورد علاقه خود را تدوین کنید.

فقط چند دقیقه برای فکر کردن به چیزهای خوشایند به
 خود «زمان» بدهید. توهم و تخیل مراحل عقل ورزی
 است. مانند رویای پرواز در انسان که محقق شد. رویای
 دست یافتن به ماه.

از خود بپرسید که دیگران در موقعیتهای من چه کار می
 کنند. البته یاد گرفتید که تک گزینه ای پیش نروید. بهتر
 راهنمایی کنم. چند آدم مثل من در چنین موقعیتی چه
 می کنند؟

به کارهایی که در یک روز به دست آورده اید فکر کنید،
 نه به کارهایی که انجام نداده اید.

آرامش را با هیجان بدست آورید. رفتن به پارک خطای
 دید یا تونل وحشت یک راهکار تخلیه روانی است.
 پویانمایی های نشاط آور دوران کودکتان را ببینید.
 با یک کتاب عالی به رختخواب بروید.

یک دعوت بزرگ مهمانی یا هیأت برگزار کنید.
 به کسی که احساس ناراحتی می کند، روحیه دهید.
 مدتی را صرف کارهایی کنید که از آن لذت می برید،
 مانند باغبانی یا رانندگی.

وقتی افکار به سراغتان می آید. بلند بلند فکر کنید
 بازی کنید. بازی های کودکی یا بازی های فکری

There is no hero higher than the martyrs



In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

All praise is due to God, Lord of the Worlds, and peace and greetings be upon our Master, Muhammad, and his Pure Progeny, particularly the Remnant of God on earth.

You are very welcome here, you the fathers, mothers, and spouses of our beloved martyrs, and the children of our heroes. Today's meeting in our Hussainiyah, with the presence of you fathers, mothers, spouses, children, and families of the martyrs, is truly a meeting filled with light. One can feel the light of the martyrs' presence with your presence here. I hope the families of the martyrs will always remain for this nation. This nation needs to remember the martyrs, the names of the martyrs, and the stories of the martyrs.

Today, I have prepared a topic in my mind. I have made notes about the fathers, mothers,

and spouses of the martyrs. Well, everyone has always talked about our dear martyrs, and even if we talk about them forever, the virtues of the martyrs will never end. I do not wish for the memory of the fathers, mothers, and spouses [of the martyrs] — who are partners in this great jihad and are mujahids — to be forgotten. This is what I am going to talk about today.

The fathers, mothers, and spouses [of the martyrs] can be viewed from several perspectives. Of course, other members of the martyrs' family also share in this meaning. But the most important people are the martyr's mother, the martyr's father, and the martyr's spouse, in the case that the martyr had a spouse. They can be viewed from different perspectives. One is based on the perspective of the “Quranic value system.” We should see what the Quran, which contains numerous verses about the martyrs, has to say about the fathers, mothers, and spouses of the martyrs. This is one point.

From this perspective, we need to see what value the Quran puts on the people whom the martyrs have left behind. One perspective, which has been neglected, is the struggle of these dear people — the fathers, mothers, and spouses. Let's look at it from this perspective. Indeed, their efforts have been neglected up until now. I will now say a few brief words about each of them. Another perspective is the suffering and pain that these dear people feel due to the loss of their loved ones. Suffering itself is a reason for the Almighty God to elevate

someone's position. The suffering that their fathers, mothers, and spouses go through should be paid attention to. We should look at it from this perspective.

One of the most valuable treasures is the memories that are contained in the chests of the fathers, mothers, and spouses [of the martyrs]. This is another perspective. Now I have mentioned these four perspectives, [but] you can also look at the lives of the fathers, mothers, and spouses from other angles too. I have chosen these few points to share with you. No matter which perspective we choose to look from, the greatness of a martyr's father, mother, and spouse shines before one's eyes like the sun.

With regard to the first perspective, consider the value designated by the Quran. There is the patience that the father of the martyr and the mother of the martyr have shown at their son's martyrdom, or the patience that the martyr's spouse has shown for [her husband's] martyrdom. When you read their biographies and realize what they went through when they heard the news of the martyrdom of their loved ones and the patience they showed, this patience is the highest form of patience.

Regarding such patient individuals, Almighty God has stated, "It is they who receive the blessings of their Lord and [His] mercy" (Quran 2:157). You ask for God's blessings for the Prophet and his Progeny, [but] God sends you His blessings. What can one imagine that would be more important

than for Almighty God, the Creator of the universe and the Owner of this world and the hereafter, to send blessings on His servants? This is something very important. This is for you. This is for the father, the mother, the wife, and possibly the children who have experienced their father's martyrdom.

Or in another verse, it is said, "You will never attain piety until you spend out of what you hold dear" (3:92). No one will be able to reach the peak of goodness unless he/she gives what he/she loves in the way of God. What does a person love more than his own child? [Or] a young woman whose husband is martyred, what can replace this warm love between a husband and a wife? These people have sacrificed this [their loved ones] in the way of God.

A martyr's parents have offered and given their beloved child in the way of God. Or that young wife has given her beloved husband in the way of God. So you, the fathers of the martyrs, the mothers of the martyrs, and the spouses of the martyrs, are all perfect examples of "You will never attain piety until you spend out of what you hold dear."

After a difficult war in which the companions [of the Prophet] had fought and some had been martyred, they had endured great hardships, they had taken great risks, and they were returning from the war, the Holy Prophet (pbuh) told them, "You have returned from the Lesser Jihad. You now need to struggle for the Greater Jihad."

part in?" The Prophet said, "The Greater Jihad is the struggle with the carnal self." What is this struggle with the carnal self? It means struggling with one's inner feelings. A person has a feeling, a desire, or a thought within him/herself. They need to struggle with these whenever it is necessary.

If we look at it from this perspective, once again we will see that the parents and spouses of the martyrs are at the top level of the Greater Jihad. Why? Because they have surmounted their feelings. A young man insists on going to the battlefield. There are obstacles in his way. His mother, even though she loves her child, removes these obstacles. This exists in the accounts of our martyrs. We have seen these things. I visited mothers of martyrs who had buried their children themselves. They had equipped them themselves. Are these things a joke? If we had not seen these things or if we had not heard about them from the people who saw these, it would be hard to believe. But these are things that happened.

Therefore, according to the value assigned by the Islamic value system, the families of the martyrs, that is their fathers, mothers, and spouses, have a very high rank, and they are more virtuous than other believers. A martyr's father, mother, and spouse should be approached and viewed from this perspective. This is the first point.

Secondly, we said that [there is a] jihad being neglected. When the word "jihad" is mentioned, the first thing that comes to one's mind is a young man fighting in the battlefield. Well, yes, he is a "mujahid fi

sabil Allah" [the one who strives in the way of God], but he is not the only one. There are also mujahids outside the battlefield. The woman who turns her home into a place for baking bread for the soldiers is also a mujahid. The families who spend their whole lives giving food and the necessities of life to the soldiers are also mujahids. They are taking part in jihad.

Mujahid is not just someone who is fighting in the battlefield. Of course, he is the perfect, main example, but there are also mujahids outside the battlefield. Among the mujahids outside the battlefield, who has a rank or status that is at the level of a martyr's father, a martyr's mother, or a martyr's spouse? Of course, with regard to the person who bakes bread in her home and sends it for the soldiers, her work is very valuable. The value of her work cannot be denied. But what about the person who sends his/her young, dear one [to the battlefield]? It's one thing to send food, blankets, and clothing, and it's another thing to send the fruit of one's heart, a young, healthy youth to the battlefield.

These people are mujahids. This [form of] jihad has been neglected. When we count the people who take part in jihad, we don't pay attention to the woman who is the mother of a martyr, the man who is the father of a martyr, or the woman who is the wife of a martyr. [But] they are people who are struggling for the cause of God, "Allah has graced those who wage jihad over those who sit back" (Quran 4:95). This includes these people as well. They are mujahids in the way of God.

This epic event would not have taken place if their families had not supported them. The eight years of the Sacred Defense, this great epic — I will talk about this later how important this epic was for our country's history — began due to the efforts of fathers, mothers, and spouses. They were the ones who got it going. If the fathers had been impatient, if they had expressed their disapproval, or if they had complained saying, “Why did my child go?” and “Why was my child killed? — and the same is true for the mothers — then this epic would not have got going. After the first group [of troops] had left, the second group wouldn't have gone. So this is about this perspective.

The third perspective is about the suffering of the families of the martyrs. When a martyr is martyred, the moment of martyrdom is the beginning of his relief, but for his parents and his wife, it is the beginning of their anguish. When a martyr leaves this world, he/she is the guest of God Himself in the Kingdom of God. God Himself provides them with His sustenance. It is the beginning of a comfortable life for the martyr. But what about the father? What about the mother? What about the spouse? When they hear that their loved one has been martyred, their suffering begins at that time, and it does not end. The passing of time causes people to forget many things. What they do not forget is the grief they feel for their loved ones [who left] in this way and form.

[When] a person reads these books that have been written about the martyrs, he/she understands what happened to the father, the mother, and the wife of the martyr. This

is something that those watching from afar cannot comprehend. This suffering elevates a person's status [before God]. This anguish isn't something that is lost before Almighty God. The strength to endure this suffering causes a person to become great.

About the fourth perspective, I mentioned that a martyr's father, mother, and spouse are a treasure chest holding martyr's memories. The martyrs are the country's heroes. The heroes of our country are the martyrs. There is no hero higher than the martyrs. They are the ones who fought in the most difficult battles, they are the ones who were able to reach the highest levels, and they were able to defeat the enemy. Remembering heroes is something honored by all nations. This isn't something exclusive to us. Sometimes a person is recognized as a hero by a nation. Memories about him/her, details about him/her, and his/her life become important to people.

Our martyrs are all heroes. It is important to commemorate them. How did the martyrs behave? This is something that their fathers, mothers, and spouses can tell us. They [the martyrs] become role models. What were the outstanding moral characteristics of the martyrs? What outstanding moral characteristics did they have? What was their lifestyle like? When you read the biographies of the martyrs, it is as though you have entered a garden that contains all kinds of the most beautiful, fragrant flowers. All kinds of good, outstanding, beautiful qualities can be seen in these books on the martyrs.

Consider the transformation that took

place in the lives of some of these martyrs. Some of these martyrs were not on the path of God or on the path of jihad until shortly before their martyrdom. There was some event or a transformation took place in their lives. From behind — we were walking in front — they come, get ahead of us, and are martyred. All of these things are lessons.

Consider the sacrifice made by the martyrs with regard to the intense love they had for their spouse and children. The martyr has small children. After all, he is young. He has two or three children. He is attached to them, he is attached to his wife, he loves his parents, [but] he leaves all of them for the cause of God and for the sake of defending his religion, Islam, and the Revolution. Whether they were people who were martyred in the Sacred Defense, were martyrs for security and were martyred on the borders, or went to defend the shrines [of the Household of the Prophet] and the shrine of Lady Zainab in recent years, they all left and sacrificed their interests and the dearest things they were attached to. They are all role models. A young person needs to have a role model. These [martyrs] are living role models for our country and our youth. The memory of these martyrs must be kept alive.

Who can keep the memory of these martyrs alive? The fathers, the mothers, those who raised them, or their spouses who lived with them for a while can. They should describe their behavior, what they were committed to, their religious attachments, their social attachments, and their emotional attachments. These are all lessons. Everything that is stored in your

place in the lives of some of these martyrs. Some of these martyrs were not on the path of God or on the path of jihad until shortly before their martyrdom. There was some event or a transformation took place in their lives. From behind — we were walking in front — they come, get ahead of us, and are martyred. All of these things are lessons.

Consider the sacrifice made by the martyrs with regard to the intense love they had for their spouse and children. The martyr has small children. After all, he is young. He has two or three children. He is attached to them, he is attached to his wife, he loves his parents, [but] he leaves all of them for the cause of God and for the sake of defending his religion, Islam, and the Revolution. Whether they were people who were martyred in the Sacred Defense, were martyrs for security and were martyred on the borders, or went to defend the shrines [of the Household of the Prophet] and the shrine of Lady Zainab in recent years, they all left and sacrificed their interests and the dearest things they were attached to. They are all role models. A young person needs to have a role model. These [martyrs] are living role models for our country and our youth. The memory of these martyrs must be kept alive.

Who can keep the memory of these martyrs alive? The fathers, the mothers, those who raised them, or their spouses who lived with them for a while can. They should describe their behavior, what they were committed to, their religious attachments, their social attachments, and their emotional attachments. These are all lessons. Everything that is stored in your

memories about your martyrs is a lesson. These things need to be talked about. These memories should be published and used by the country's younger generation.

My dear brothers and sisters! What's truly important — and this is the last thing I want to say — is that your children and your martyrs changed the country's destiny in one of the most critical periods in Iranian history. The Islamic Revolution took place in one of the most critical periods in order to protect the country from slipping into ethical, religious, and political deviation. And it did save the country. Shortly afterwards, the enemy launched a military attack [on Iran], and it was these young men who went, fought, and resisted for eight years. They saved the country.

Then, throughout this time and up until today, the youth have stood up in defense in various seditions, in various riots, in various forms of attacks by the enemy. Some of them were martyred, like in the events that took place this past year or in previous years. They were able to protect this country. They led the country's destiny toward glory. Today our country is proud. Our youth did this. Your martyrs did this.

People like us cannot claim that we did this or that. No, if it weren't for the sacrifices of these young people, nothing would have happened in this country and it would have plunged down. What prevented this were the important measures taken by these young, courageous, pious, religious, revolutionary, self-sacrificing young people. Our youth were able to help the country pass through threats and dangers.

They were able to save our country from great dangers, to overcome threats, and to turn a large number of threats into opportunities.

I would like to address the artists now — those who are involved in the media and those who are authors, writers, poets, and painters. These memories should be preserved using the language of art. Of course, good work has been done in the field of publishing books, films, and some other artistic works in recent years. These are good and valuable, and we need to appreciate what has been done. However, it is small when you compare it to what needs to be done.

We have a large number of martyrs. There is a lot to know about all of them. Each one of them can be a topic for one or more valuable works of art. You can make a movie about them, write a book, paint a picture, and introduce them to our young generation. This is our duty. If they come and ask to interview you, as the martyr's spouse, the martyr's father, or the martyr's mother, do not turn them down. I have heard some say that they went to [interview] a martyr's family, but they did not respond. No, you should introduce your martyrs as much as possible. Introduce them and talk about them. This is a duty that we all have.

Well, the Almighty God has made all of you dear. It is our duty to preserve your divine honor, and we must do this. We hope, God willing, all the officials will be able to fulfill their duties properly with regard to the families of the martyrs and earn God's satisfaction.

I enjoy meeting with the families of martyrs, but time restrictions, facilities, and such things truly stand in the way of it. There are many fathers, mothers, and families of martyrs whom I wish to see, but, unfortunately, I have not had the opportunity. I thank God that I was able to visit with you today.

God willing, you will be successful in your endeavors. May God protect all of you, God willing. May He unite your martyrs with the Prophet (pbuh), and may He grant you the intercession of your martyrs.

May God's greetings, mercy, and blessings be upon you.



**sayes
man**

@sayesman



G is Gaza